

چگونه می توان اصول گراباقي ماند؟
زیستن برای خدادر جامعه آخر الزمان

محمد امیری





در صفوف حزب‌اللهی‌ها بودند و پنهان شدن برخی ضد انقلاب‌ها تحت این عنوان، واژه حزب‌اللهی مورد تحریف قرار گرفت. تا این‌که جنگ تمام شد و سپس در دوران دوم خرداد، گروهی با نام آبادگران و بعد از آن در انتخابات دوم شوراها شهر، وارد عرصه رقابت انتخاباتی شدند که معتقد به احیای ارزش‌های اول انقلاب و حضرت امام (ره) بودند. این گروه با توجه به شعاری که ارائه می‌داد و چهره‌هایی که برای انتخابات هفتم مجلس شورای اسلامی معرفی کرد، توانست موفقیت چشمگیری کسب کند. در واقع اصول‌گرایی در مقابل واژه اصلاح‌طلبی علم شد. هر چند این واژه در یک فضای سیاسی بروز کرد و برای معرفی یک مثنوی سیاسی متفاوت از مثنوی سیاسی تسامح و تساهل به وجود آمد، ولی از یک خاستگاه عمیق فکری و ایدئولوژیک برخوردار بود؛ زیرا در پشت این واژه، مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی نهفته بود و کسانی که بیرق این واژه را بر دوش داشتند، دلسوختگان امام و رهبری بودند که طی این مدت، صیانت از ولایت فقیه در مقابل دشمنان خارجی و دست‌نشانده‌های داخلی آن‌ها را وظیفه خود می‌دانستند. آنها با روحیه و افکار اوایل انقلاب باقی ماندند و با رهبری امام و مقام معظم رهبری رشد کردند و نه تنها در عرصه سیاسی ایران، رژیم سلطنتی پهلوی را به حکومت دینی جمهوری اسلامی ایران تغییر دادند، بلکه یک حرکت فکری و ارزشی در سطح جهان قرن بیستم آفریدند و شاخ دو دیو سوسیالیست و لیبرالیست را که سایه شوم خود را بر جهان افکنده بودند، شکسته و به زیاده‌دان تاریخ فرستادند.

اصول‌گرایی حرکتی است که ریشه در مبانی تفکرات مرجع بزرگ دینی معاصر - حضرت امام خمینی (ره) - دارد که معتقدند:

۱. نظام حکومتی می‌تواند با مبانی و آموزه‌های دینی؛ جامعه بشری را اداره کند و به عبارت دیگر، دین نه تنها می‌تواند در عرصه سیاست و تدبیر جامعه وارد شود، بلکه دین حق تنها منجی بشر است که می‌تواند جامعه بشری را به سعادت واقعی برساند. دین در جامعه، یک محیط اخلاقی و مذهبی صرف نیست، بلکه دین با ظرفیت بالایی از فضیلت‌های دینی و آموزه‌هایی که از طرف شارع مقدس وجود دارد، می‌تواند در سطوح مختلف جامعه پیاده‌سازی شده و به وسیله آن، جامعه بشری به سرحد مقصود برسد. این جریان تحت رهبری حضرت امام خمینی (ره)، با شروع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام سیاسی اسلام و دولت و ملت معتقد به مبانی دین مبین اسلام، آغاز شد. بنابراین، اصول‌گرایی با اعتماد و اعتقاد به اینکه نظام دینی با مبانی دینی و دستورات الهی در تمامی عرصه‌ها توانایی اداره جامعه را دارد، پشتیبان و ضامن سلامت و صحت این حرکت ثنوری ولایت فقیه است که ریشه در فقه شیعه دارد.

۲. اصول‌گرایی با توجه به اعتقاد به جهان بینی الهی، شدیداً با تفکرات اومانیستی و لیبرالیستی مخالف است و هرگز حاضر نیست فرهنگ تسامح و تساهل را پیش بگیرد و وارد ادغام فرهنگ جامعه با فرهنگ جهانی بشود؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، اصول‌گرایی از خاستگاه فکری، فرهنگی، دینی و جهان‌بینی حاکم بر آن نشأت گرفته است. اصول‌گرایی با تکیه بر مبانی دینی خود، برای ارزش‌های رایج جهان

انسان موجودی تکامل‌گراست و حرکت خود را در مسیر تکامل، بر اساس پیش‌فرض‌ها و اصولی استوار می‌کند و این اصول در انتخاب راه و رسیدن او به مقصود مؤثر است. زمانی که انسان به اصولی معتقد باشد و کلیه اعمال و رفتار خود را بر اساس آن اصول انجام بدهد و آنها را پایه و اساس حرکت خود بداند، به او اصول‌گرا گفته می‌شود و این اصول برگرفته از آموزه‌ها و اندیشه‌هایی است که انسان کسب می‌کند. وقتی انسان راه حق را بشناسد و آموزه‌های خود را از پیامبر و اولیای الهی دریافت کند و اندیشه خود را بر اساس آن پایه‌گذاری کند، قطعاً اصولی که برای اعمال خود در این دنیا به آنها پایبند می‌شود، اصولی الهی خواهد بود و هر چه در اعتقادات و دست‌یابی به آموزه‌های الهی بیشتر تلاش کند و تعالیم ناب‌تری از این آموزه‌ها را فرا گیرد، پایه‌های محکم‌تری برای حرکت تکاملی خود ایجاد کرده و به اصول مستحکم‌تری دست می‌یابد و در تمامی برنامه‌ها و اعمال فرد اعم از فردی و اجتماعی، آن اصول را به کار می‌گیرد. از آنجا که انسان در این جهان ناگزیر به زندگی اجتماعی می‌باشد و برای رسیدن به اهداف خود از مشارکت دیگران نیز استفاده می‌نماید، باید با سایر انسان‌ها در جامعه تعامل و همکاری داشته باشد؛ این تعامل و همکاری نیز بر اساس همان اصول پایه‌گذاری می‌شود.

در جامعه ایران که جامعه‌ای متشکل از اکثریت مسلمان است، قطعاً آحاد جامعه مسلمان به دین مبین اسلام اعتقاد دارند و به تعالیم آشنا و پایبند می‌باشند و در صورتی که در جامعه افراد سعی بر اجزایی و پیاده‌سازی احکام دین داشته باشند و در انجام وظایف اجتماعی خود بر اساس اصول دینی اسلام تلاش کنند، به دلیل اینکه افراد بر اساس اصول مشخص به یکدیگر تعامل داشته‌اند، این جامعه اصول‌گرا نامیده می‌شود. بنابراین اصول‌گرایی یعنی تعامل افراد بر اساس یکسری معیارها و ارزش‌هایی که جامعه به آن پایبند می‌باشد.

امروزه واژه اصول‌گرایی در میان مباحث سیاسی مطرح می‌باشد. عده‌ای سعی دارند برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را نیز جزء آن قرار دهند و برخی دیگر برای جذب حامیان بیشتر، از آن پرهیز می‌کنند. اصطلاح اصول‌گرایی در ادبیات سیاسی ما، در مقابل اصلاح‌طلبی متداول است.

همان‌طور که بیان شد، اصول‌گرایی یعنی پایبندی به اصول و ارزش‌ها. مراد از اصول‌گرایی در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛ پایبندی به ارزش‌های اسلامی و حکومت دینی و ولایت مطلقه فقیه یعنی زنده نگهداشتن آرمان‌های انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی (ره) و پیروی از مقام معظم رهبری است. این مفهوم در اوایل انقلاب با تعبیر حزب‌اللهی تجلی می‌یافت و در سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، واژه حزب‌اللهی در مقابل ضد انقلاب استفاده می‌شد. افرادی که حامی انقلاب بودند و از ارزش‌های امام (ره) حمایت می‌کردند، به آنها حزب‌اللهی گفته می‌شد و کسانی که در مخالفت انقلاب و حرکت امام خمینی (ره) بودند؛ از جمله خاندان پهلوی و وابستگان به آنها و ساواکی‌ها و ... ضد انقلاب شناخته می‌شدند. سپس با گذشت زمان و فاش شدن برخی چهره‌هایی که مدعی حزب‌اللهی و ایجاد تقسیم‌بندی

مانند آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و ... تعاریفی خاص دارد و بر اساس جهان بینی الهی معتقد است که تعاریف واقعی این واژه‌ها، همان تعریفی است که اسلام از این واژه‌ها دارد؛ زیرا تعریف اسلامی از وحی ریشه گرفته و آن چیزی است که از طرف خالق انسان به مصلحت او می‌باشد.

بنابراین اصول‌گرایی از جهت فرهنگی و نگاهش به فرهنگ غرب، چالش عمیق با تفکرات طرف مقابل خود - که در ادبیات سیاسی امروز به اصلاح طلبی معروف است دارد و از جهت مبانی و تئوری در مواجهه با فرهنگ غرب، در اختلاف شدید است.

۳. از بعد اقتصادی، اصول‌گرایی اعتقاد به عزم ملی تولید داخلی دارد و معتقد است دولت باید در مقابل هجوم سرمایه‌های بیگانه، از تولید داخلی حمایت کند. همچنین با جدیت تمام از ادغام ساختار اقتصادی کشور در ساختار اقتصادی بین‌المللی مخالف است و معتقد است اسلام به خودی خود دارای ساختار اقتصادی است و بهترین و تنها نظام اقتصادی است که می‌تواند در جامعه پیاده شود. اصول‌گرایی ضمن احترام به اموال افراد جامعه، با ایجاد فاصله طبقاتی زیاد بین اقشار مختلف جامعه مخالف است و رانت‌خواری و ایجاد ثروت‌های بادآورده را فساد اقتصادی می‌داند و معتقد به مبارزه با آن است.

این واژه نیز مانند سایر واژه‌های ارزشی، از تحریف دشمنان و افراد فرصت‌طلب مصون نماند و دچار انشعاب و تفرقه میان طرفداران خود شد، به طوری که در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، این چند دستگی موجب نگرانی دلسوزان انقلاب و اصول‌گرایان واقعی گردید، اما لطف خداوند و تبیین و روشن‌گری‌های رهبر معظم انقلاب و عقبه‌های تئوریک نظام که موجب تصمیم به موقع مردم و اقبال آنها شد، یکی از فرزندان جبهه اصول‌گرایی، توانست کرسی ریاست جمهوری را به دست آورد و طعم شیرین اصول‌گرایی را به مردم بیچشانند و هر روز موفقیت و سرفرازی را برای نظام اسلامی و مردم ایران نمایان کند. هر چند در طی این مدت سعی در توقف وی نمودند و پس از هر موفقیتی، فشارهای خارجی و سنگ‌اندازی‌های داخلی و کم ارزش جلوه دادن موفقیت را طرح می‌کردند، اما او همچنان با اتکای به خدا و صاحب این مرز و بوم - حضرت ولی عصر (عج) - و دعای خیر بزرگان دین و مردم مسلمان به راه خود ادامه داد و در برهه‌های مورد نیاز، مقام معظم رهبری از ایشان حمایت کرده و مسئولان و مردم را به پیروی و همدلی با وی ارشاد نمودند.

مقام معظم رهبری در مقابله با توطئه‌های دشمنان که سعی در تحریف واژه اصول‌گرایی داشتند و آن را در مقابل واژه‌هایی چون اصلاح طلبی قرار می‌دادند و سعی در انشعاب آن داشتند، فرمودند: «اصول‌گرایی به حرف نیست، اصول‌گرایی در مقابل نحله‌های سیاسی رایج کشور هم نیست، این غلط است که ما کشور یا فعالان سیاسی را به اصول‌گرا و اصلاح‌طلب تقسیم کنیم؛ اصول‌گرایی متعلق به همه کسانی است که به مبانی انقلاب معتقد و پایبندند و آنها را دوست می‌دارند، حالا اسمشان هر چه باشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری

اسلامی ۱۳۸۵/۰۳/۲۹)

سپس برای مشخص شدن اصول‌گرایی، ایشان هشت مشخصه و معیار بیان فرمودند تا تمامی نیروهای انقلاب و امت شهیدپرور با مبانی اصول‌گرایی آشنا شوند و کسانی که قصد اشتعال تعصب‌های فرقه‌ای را داشتند، دستشان رو شود.

ملت شریف ایران در طول تاریخ نشان داده‌اند که همیشه در هر شرایطی از دین مبین اسلام دست برنداشته‌اند و پشت سر رهبران دینی خود، در تمام صحنه‌ها حاضر بوده‌اند و در هر جریانی که دشمنان قصد دین آنها را کرده‌اند، با جان و مال در مقابل دشمنان ایستاده و آنها را مجبور به عقب‌نشینی نموده‌اند. در دوران معاصر نیز تحت رهبری حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای مدظله‌العالی از آرمان‌های دینی و انقلابی خود دفاع کرده و در جبهه‌های حق علیه باطل طی هشت سال مقاومت، دشمنان خارجی را به زانو در آورده و منافقین داخلی را که به رنگ‌های مختلف سعی در نفوذ و سلطه بر آنها داشتند، افشاء کرده‌اند.

مقام معظم رهبری، شاخص‌های اصول‌گرایی را چنین بیان می‌کنند:

۱- پایبندی به ایمان و هویت اسلامی انقلابی

یک اصول‌گرا در نظام اسلامی، در اولین مرحله، ایمان به خداوند دارد و خدا‌محور است. او پایبند به ارزش‌های انقلاب اسلامی است. دور از تعصب‌های فرقه‌گرایی است و سعی در آشنا کردن دیگران به این مبانی دارد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «وظیفه مهم این است که ما پایه‌های یک ایمان روشن‌بینانه و استوار را در ذهن نسل‌های جوان و رو به رشد خودمان تقویت کنیم؛ ایمان دور از خرافه‌گری و سست‌اندیشی ... بر ایمان خود پایبند باشید، با هر کسی هم که از لحاظ ایمان مذهبی یا دینی با شما مخالف است، بحث نکنید». در این زمینه ما شاهد هستیم که این شاخصه در دولت نهم نمایان است، زیرا دولت‌مردان ما در این دوره با جدیت بیشتری به دنبال سرلوحه قرار دادن اعتقادات دین مبین اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی بوده و در کلیه برنامه‌ها و ارتباطات خود با مردم ایران و سایر ملل، سعی در معرفی ارزش‌ها و تبلیغ آن داشته‌اند.

مقام معظم رهبری حفظه‌الله در سخنرانی‌ای که در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در تاریخ ۸۶/۰۴/۰۹ با ایشان داشتند، فرمودند: «امروز به همت ملت ایران، با انتخاب ملت ایران، دولتی سرکار آمده است که شعارهای اصلی انقلاب، شعارهای اساسی و اصول اوست». همچنین در تاریخ ۸۶/۰۷/۰۹ می‌فرماید: «دولت هم در قول و شعار - که مهم است - و هم در عمل نشان می‌دهد که به اصول انقلاب و ارزش‌های انقلاب پایبند است». دولت نهم در طی این چند سال نشان داده است که در پی ترویج دینداری و تبلیغ دین بوده و آن را در کلیه امور خود سرمشق قرار داده و در هر موقعیتی، بر این مسئله تأکید کرده است. دکتر احمدی‌نژاد در سفر استانی مورخه ۸۷/۰۱/۱۹ به استان اصفهان در دیدار با حضرت آیت‌الله مظاهری حفظه‌الله چنین ابراز می‌کند: «ارادت ما نسبت به روحانیت معظم، مقام ولایت فقیه و مراجع عظام، برخاسته از ایمان اصولی و گفتمانی است؛ نه یک





لیاقت و کارآمدی اوست، اصول‌گرا برای اجرای عدالت واقعی حاضر نیست کوچکترین ظلمی در حق کسی اعمال شود.»

مسئله عدالت‌محوری؛ یکی از شعارهایی است که در دولت نهم به خوبی مشهود است. دولت اصول‌گرا خود را پایبند به این اصل می‌داند. جناب رئیس‌جمهور می‌فرماید: «عدالت؛ اصلی‌ترین مایه و جوهره این سیاست‌ها و تصمیمات و تدابیر برای مدیریت کشور است. عدالت یک امر عرفی و ظاهری نیست، عدالت یک شعار خالی نیست؛ عدالت یک حقیقت جاری در نظام خلقت است و رویکرد عدالت‌خواهانه نظام اسلامی و خط ولایت، از مسئولیت‌های خطیر و اصلی نظام اسلامی و مسئولان است. عدالت ان عنصر عزیزی است که هر جا حضور پیدا کند، رضایت خلق خدا و رضای خدای متعال و استحكام و پایداری نظام اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. هر جا که ندیده گرفته شود یا مغفول واقع شود، در همان جا ضعف و سستی و نارضایتی خدا و مردم را به دنبال خواهد داشت.» (سخنرانی دکتر احمدی نژاد در دیدار مدیران اجرایی کشور با مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۰۴/۰۹) سپس ایشان بعد از توصیف عدالت، موضع و عملکرد فرد را نسبت به عدالت چنین بیان می‌کنند: «امروز باید با افتخار اعلام بکنم که در نظام اسلامی و به ویژه در دستگاه اجرایی، همه و با همه توان و با اعتقاد راسخ، به دنبال اجرای عدالت‌اند... امروز همه با اعتقاد عمیق قلبی و با ایمان الهی، در تلاش برای استقرار عدالت و جاری کردن آن در همه تصمیمات و رویکردهای اجرایی‌اند.» (همان)

۳- استقلال سیاسی

اصول‌گرا در سیاست مستقل است و سیاست خود را بر اساس ارزش‌های دینی تعریف می‌کند و هرگز اجازه نمی‌دهد دیگران برای او تصمیم بگیرند. اصول‌گرا سیاستش عین دین‌تتش است. او در سیاست معتقد به «هدف وسیله را توجیه می‌کند» نیست. وقتی کسی سیاست را بر اساس مبانی ارزشی دینی بنا کند، هرگز در جامعه به مکر و حيله روی نمی‌آورد و برای به دست آوردن رأی مردم، دست به عوام‌فریبی نمی‌زند. او در برخورد با سیاست‌های جهانی، فقط از دین‌الگو برداری می‌کند و تحت تأثیر سیاست‌های دشمنان قرار نمی‌گیرد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «اصل سوم، حفظ استقلال سیاسی است. این خیلی

جهت‌گیری سیاسی که هر گاه اوضاع مناسب بود، اظهار دینداری و علاقه به روحانیت کنیم و هر گاه جامعه از دین‌رویگردان می‌شود و اوضاع نامناسب باشد، سکوت کنیم و به کار سیاسی بپردازیم؛ آن گونه که بعضی عمل می‌کنند. این مطلب در سخنرانی‌های ابتدای تبلیغات انتخابات و اظهارات بعدی و عملکرد ما، به شکل مستند موجود است.»

همچنین ایشان در گزارشی که به حضرت آیت‌الله مظاهری ارائه می‌دهند، می‌گویند: «با توجه به اقبال جهانی به شعارهای جمهوری اسلامی، مراجعات آغاز شده و نیاز است در زمینه تبلیغ اسلام اقدامات صورت بگیرد که ما دست‌نیاز به سوی حوزه‌ها دراز می‌کنیم. این مطلب را در دیدار با مراجع عظام در قم نیز به عرض بزرگان رسانده‌ام و ما اعلام آمادگی می‌کنیم که شرایط را برای انجام این امر مهیا سازیم.»

در پایان این دیدار حضرت آیت‌الله مظاهری برای موفقیت دولت دعا کردند و تذکر دادند که: «حرف‌های من و آقای رئیس‌جمهور از یک مقوله با دو بیان بود و برداشت تنافی نشود.»

همچنین حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی حفظه‌الله در دیداری که با هیئت مدیره انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان در تاریخ ۱۳۸۶/۰۹/۱۶ داشته‌اند، ضمن حمایت از دولت نهم می‌فرمایند: «دولت نهم را دولتی در حفظ انقلاب و متدین می‌دانم.»

۲- عدالت

اصول‌گرا معتقد است هر چیزی باید در جای خود قرار بگیرد و هر کاری باید به طور شایسته و کامل انجام گیرد. همیشه دغدغه اجرای عدالت در جامعه را دارد؛ زیرا وقتی انسان بر اساس تعالیم دینی حرکت کند و آموزه‌های دینی را سرلوحه کارهای خویش قرار دهد، قطعاً به اجرای عدالت خواهد رسید. همچنین اجرای عدالت در جامعه موجب تعادل و حفظ آن است و در پیاده‌سازی عدالت است که آحاد جامعه راضی نگه داشته می‌شوند عدالت سلامت و روح آرامش را به جامعه برمی‌گرداند و موجب رشد اقتصاد می‌شود.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «فلسفه وجودی ما عدالت است.» (دیدار با مسئولان نظام ۱۳۸۵/۰۳/۲۹) ایشان در ادامه عدالت را چنین تعریف می‌کنند: «البته ممکن است در معنا کردن عدالت؛ افرادی، کسانی یا گروه‌هایی اختلاف داشته باشند؛ اما یک قدر مسلم‌هایی وجود دارد: کم کردن فاصله‌ها، دادن فرصت‌های برابر، تشویق درستکار و مهار متجاوزان به ثروت ملی، عدالت را در بدنه حاکمیتی رایج کردن، عزل و نصب‌ها، قضاوت‌ها، اظهار نظر‌ها، مناطق دور دست کشور و مناطق فقیر را مثل مرکز کشور زیر نظر آوردن، منابع مالی کشور را به همه رساندن، همه را صاحب و مالک این منابع دانستن، از قدر مسلم‌ها و مورد اتفاق‌های عدالت است که باید انجام گیرد.» (همان)

ایشان همچنین اشاره می‌فرمایند: «اصول‌گرا، از عدالت، تعریفی حقیقی دارد. او برای اجرای عدالت، فاصله طبقاتی را کم می‌کند، به همه افراد جامعه فرصت‌های برابر می‌دهد، دست متجاوزان به ثروت ملی را قطع کرده و اجازه نمی‌دهد که ذره‌ای از بیت‌المال به ناحق مصرف گردد. او اگر مسئولی را عزل یا نصب می‌کند، بر اساس میزان

مهم است. این جزو مبانی اصولی نظام است. این استقلال؛ استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. ما باید این بندهای اختاپوس فرهنگی تحمیل شده به وسیله غرب راه از دست و پای خودمان باز کنیم. این هم یکی از اصول ماست.»

اصول‌گرا بر این باور است که شعار اصلی انقلاب اسلامی، «استقلال آزادی جمهوری اسلامی» است. بنابراین، همیشه سعی دارد استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را حفظ کند و هرگز به دیگران اجازه نمی‌دهد برای او و یا به جای او تصمیم بگیرند و تعیین تکلیف کنند. به عبارت دیگر، اصول‌گرا در سیاست‌های خود رفرمیست و فرمالیست نیست و با ظاهر پرستی و ظاهر سازی در سیاست عمل نمی‌کند. دولت نهم در طی این چند سال ثابت کرد که به این اصل اصول‌گرایی پایبند بوده و با تمام سعی و تلاش خود، بر حفظ و رعایت این اصل کوشیده است. برای این مورد می‌توان عزت و سربلندی که در مجامع بین‌المللی و پیشرفت در دانش هسته‌ای و سایر علوم داشته‌ایم را بیان کرد که تمامی اینها بر اساس حفظ استقلال سیاسی است.

۴- تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ملی

وقتی انسان در امری اعتماد به نفس داشته باشد، می‌تواند آن کار را به راحتی به سرانجام برساند. بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، با اعتماد به نفس و خودباوری، این انقلاب را به پیروزی رساندند. اصول‌گرا با تبعیت از ایشان، باید به این اصل پایبند باشد. وقتی در مسائل ملی و کشور خود اعتماد به نفس داشته باشد، به راحتی می‌تواند با تکیه بر نیروی فکری جوانان ایرانی در عرصه‌های مختلف به پیشرفت‌های نوین دست یابد. البته این خودباوری و اعتماد به نفس در بین جوانان ما وجود دارد؛ زیرا شکوفایی‌هایی که در مجامع مختلف ما پدید می‌آید، از همین اعتماد به نفس ملی است. اصول‌گرا باید این اعتماد به نفس را تحسین و آن را تقویت کند و به آن افتخار نماید، نه اینکه به دنبال غرب و تقلید از آن‌ها باشد. اگر این روحیه اعتماد به نفس ملی و خودباوری در میان افراد جامعه تقویت شود، آن وقت دستیابی به دانش هسته‌ای، تولید سلول‌های بنیادی و... کاری سهل و آسان خواهد بود. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «اصل چهارم، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ملی است. این اعتماد به نفس در همه جا هست. ما اکنون در زمینه مثلاً علوم تجربی

نمونه‌اش را دیده‌ایم که حالا یکی‌اش فناوری هسته‌ای است، یکی‌اش تولید سلول‌های بنیادی است...» ایشان در ادامه می‌فرمایند: «استقلال اعتماد به نفس ملی و خودباوری، فقط به این چیزها منحصر نمی‌شود که ما می‌توانیم سسد درست کنیم، می‌توانیم نیرو و گاه درست کنیم و می‌توانیم بدون کمک‌های خارجی، کارهای بزرگ و پروژه‌های عظیم را راه اندازی کنیم، بلکه باید در سیاست، ابتکارهای مردمی و ارزش‌های اخلاقی هم، خودباوری داشته باشیم.»

ایشان در این بخش از بیاناتشان به این نکته اشاره دارند که ما نه تنها در امور اقتصادی ملی و صنعتی باید خودباوری داشته باشیم، بلکه در زمینه مسائل فرهنگی باید خودباوری داشته و به سنت‌ها و ارزش‌های اصیل اسلامی که پذیرفته شده و مورد تأیید منابع دینی است، افتخار کنیم و بلکه سعی در ترویج و نشر آن در جهان داشته باشیم، نه مانند بعضی‌ها خجالت بکشیم از اینکه ایرانی هستیم و یا اینکه مسلمان هستیم و برای اینکه خود را در جهان مطرح کنیم و یا اینکه سایر دول ما را در عرصه‌های بین‌المللی به بازی بگیرند، به تمامی ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی پشت پا زده و به صورت منفعل عمل کنیم و خود را از سر تا پا فرنگی کنیم.

۵- جهاد علمی

یک اصول‌گرا باید در زمینه علمی، جهاد و تلاش داشته باشد تا به لایه‌های علمی در زمینه‌ها مختلف دست یابد و نهضت تولید علم را در کشور بر عهده بگیرد و آن را در کشور مدیریت کند. او باید در اختیار به جوانان این کشور، امکانات و میدان کار بدهد، تا آن‌ها با این فرصت‌ها بتوانند در بالاترین رشته‌های علمی در جهان قرار بگیرند. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، به این امر مهم اشاره کرده، می‌فرماید: «ما باید بر ثروت علمی بشر بیفزاییم، نگویند نمی‌شود، می‌شود. یک روزی بشریت فناوری ریزترین‌ها -نانو تکنولوژی- را نمی‌شناخت، بعد شناخت. امر و زصد تا میدان دیگر ممکن است وجود داشته باشد که بشر نمی‌شناسد، اما می‌توان آن‌ها را شناخت و می‌توان جلو رفت... من این را از شما جامعه علمی کشور توقع می‌کنم که شما ۵۰ سال دیگر - ۵۰ سال نیم قرن است - در رتبه بالای علمی دنیا قرار داشته باشید. این توقع زیادی است از یک ملت با استعداد؟ اما اگر بخواهیم این اتفاق بیفتد، از الان باید سخت کار کنیم. شرطش تنبلی نکردن است؛ غفلت نکردن است؛ خست نوزیدن است؛ از ورود در این راه وحشت نکردن است و میدان دادن و پرورش نخبگان است.»

۶- تثبیت و تأمین آزادی و آزاداندیشی

وقتی اصول‌گرا دارای استقلال و اعتماد به نفس ملی است، آزاد است و به هیچ چیز و هیچ کس وابسته نیست و فقط خود را در مقابل خداوند متعال مسئول می‌داند. این آزادی را در همان حد و مرزی که خداوند برای او قرار داده است، محدود می‌کند. زیرا اصول‌گرا به کرامت و ارزش والای انسانی که خداوند برای او قرار داده، معتقد است. او همانطور که آزادی را حق خود می‌داند، برای آزادی جامعه احترام قائل است و هرگز به خود اجازه نمی‌دهد به اسم آزادی، به حریم دیگران تجاوز کند. همچنین به دیگران اجازه نمی‌دهد با



می‌فرمایند: «ما احتیاج داریم که از سرمایه‌گذاری حمایت بشود، کارآفرینی بشود، تولید داخلی ترویج بشود، با قاچاق و فساد مجدانه مبارزه بشود، اشتغال به عنوان یک مبنای اصلی و یک هدف مهم دنبال شود ... مقررات اقتصادی‌ای که امروز یک چیزی بگوییم، فردا عوضش بکنیم، فایده‌ای ندارد. مقررات اقتصادی و قوانین ما، باید هم ثبات داشته باشد که مردم بتوانند روی آن برنامه‌ریزی کنند، هم باید منسجم باشد و با هم بخواند و شفاف باشد. بازاریابی جهانی یکی از مهمترین وظایف برای رونق اقتصادی کشور است که جزو کارهایی است که ما نکرده‌ایم و جزو کم‌کاری‌های ماست ... ما بایستی اینها را در نظر داشته باشیم. البته برنامه‌های راهبردی اساسی کشور نباید از نظر دور بماند. مسئله ذخایر ارزی مطمئن که کشور بتواند با شوک‌های اقتصادی و ارزی مقابله کند، تأمین منابع تولید و سرمایه‌گذاری برنامه‌های راهبردی تولید و انتقال آب و انرژی در کشور؛ جزو مسائلی است که ما در چند سال آینده به شدت نیازمان به آنها محسوس خواهد شد. اینها بایستی با جدیت دنبال بشود، اینها جزو همان مقوله رونق اقتصادی کشور است.» (همان). بنابراین اصول‌گرایی باید به فکر رونق اقتصادی و استقلال آن بر اساس موازین شرعی باشد.

دولت نهم با شعار اصول‌گرایی روی کار آمد. اگر کارنامه این دولت را مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم که در تمامی زمینه‌ها سعی داشته است بر این اصول پایبند باشد، به طوری که امروزه مردم جامعه بازگشت به تفکر دین و ارزش‌های صدر انقلاب را احساس می‌کنند و همین باعث ایجاد تقویت ارزش‌های دینی در بین آنها شده است. همچنین در صحنه‌های مختلف بین‌المللی، پایبندی دولت به اصول و مبانی ارزش‌های انقلاب کاملاً مشهود است و همین موجب عزت اسلامی در دنیا به ویژه کشورهای اسلامی شده است، به طوری که کشورهای اسلامی به جمهوری اسلامی افتخار می‌کنند. وقتی رئیس‌جمهور کشور ما در سازمان ملل حضور می‌یابد و سخنرانی می‌کند، کشورهای اسلامی و مستضعفین و ستمدیدگان جهان احساس غرور می‌کنند. در گذشته تحت مباحث حقوق بشر، همیشه بحث تغییر قوانین و ارزش‌های دینی مطرح بود، ولی امروزه تأکید بر حفظ ارزش‌های دینی و قوانین شرعی و دینی می‌شود. در این دولت بر خلاف گذشته که ادبیات توسعه غرب حاکم بود، نوآوری و شکوفایی علمی جوانان ایران مطرح است. در این دولت، نه تنها تکنولوژی هسته‌ای تعلیق نشد، بلکه دانشمندان ایرانی به دانش هسته‌ای تولید سلول‌های بنیادی و تکنولوژی ساخت و پرتاب ماهواره به فضا دست یافتند و تمامی این روند و توسعه بر اساس خدامحوری و خودباوری بود که تابوهای غربی مثل هولوکاست، سازمان ملل، حق و تو و... شکسته شد. نظام لیبرال که بر اساس انسان‌محوری بنا شده بود، مانند سایر نظام‌های انسانی دیگر، در طول تاریخ فرد به بن بست رسیده و در آستانه فروپاشی است.

بنابراین تا زمانی که ما به این ارزش‌ها و سنت‌های دینی خود پایبند باشیم، سرفراز خواهیم بود؛ لذا باید مراقب باشیم تحت عناوین مختلف، دشمنی در میان ما رخنه نکند.

استفاده از نام آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی کشور، کوچکترین خدشه‌ای وارد نکند. مقام معظم رهبری در مورد این اصل نیز می‌فرمایند: «اصل ششم تثبیت و تأمین آزادی و آزاداندیشی است. آزادی را نباید بد معنا کرد. آزادی یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی است که یک شعبه‌اش، آزاداندیشی است. بدون آزاداندیشی، این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد.» (همان)

البته این باز بودن فضا برای آزاداندیشی و رشد اجتماعی، همانطور که بیان شد، به معنای این نیست که دست دشمن و ایادی داخلی آن باز باشد و هر کاری خواستند در راستای براندازی اصل نظام و کشور انجام بدهند، بلکه از این آزادی و فضای آزاداندیشی، باید در راستای رشد فرهنگ دین در جامعه استفاده شود و ارزش‌های دینی و انقلابی در جامعه ترویج شود و رشد کند. معظم له در ادامه سخنان خود می‌فرمایند: «البته من فهم غلط از آزادی را تأیید نمی‌کنم، من باز گذاشتن دست دشمن را در داخل، برای اینکه مرتباً گاز سمی تولید کند و در فضای فرهنگی یا سیاسی کشور بدمد، تأیید نمی‌کنم. من براندازی خاموش را آنچنان که خود آمریکایی‌ها گفتند و عواملشان چند سال قبل در اینجا سادگی و بی‌عقلی کردند و به زبان آوردند، بر نمی‌تابم و رد می‌کنم.» (همان)

۷- اصلاح و تصحیح روش‌ها

اصول‌گرایی باید همیشه برنامه‌ها و اعمال خود را مورد بازبینی قرار داده و از بازخورد ها و انتقادات و تشویق‌هایی که از محیط اطراف خود به او می‌شود، استفاده کند. و اگر احیاناً به خطا رفته است، اصلاح کند البته در این بازنگری و بررسی، همیشه باید خط‌کش ارزش‌ها و دین مبین اسلام را در نظر داشته باشد. اگر این مبنا را نیز در نظر بگیرد، در حرکت خود موفق و پویا خواهد بود. رهبر فرزانه در این جا نیز می‌فرمایند: «اصلاحات جزو مبانی اصول‌گرایی است ... اصلاحات اصول‌گرایانه و اصول‌گرای مصلحانه، در هم تنیده هستند. آن اصلاحاتی که بخواید با معیار آمریکایی در کشور انجام بگیرد، مثل همان اصلاحات رضاخانی است. می‌دانید که رضاخان در مهمترین بخش‌ها و سال‌های سلطنتش، شعارش اصلاحات بود. همه این فجایع و جنایاتی که شما در دوره رضاخان سراغ دارید، تحت نام و زیر پرچم اصلاحات انجام گرفته است.» (همان)

۸- شکوفایی اقتصادی

در هر حکومتی، دولت باید معیشت و اقتصاد جامعه را با کمک و همکاری و همراهی آحاد جامعه تأمین کند و این زمانی حاصل می‌شود که اقتصاد جامعه بر اساس معیارها و ارزش‌های دینی طراحی و برنامه‌ریزی شود. البته نباید اقتصاد هدف باشد؛ بلکه اصول‌گرا همیشه به اقتصاد به عنوان یک وسیله برای رفع نیازهای جامعه در راستای رشد و تکامل آنها نگاه می‌کند. او هرگز در فکر تمرکز و تکثیر ثروت و سودجویی نیست. او همیشه اقتصاد را از منظر ابزاری جهت رشد و شکوفایی جامعه می‌نگرد تا به وسیله آن نیازهای زندگی روزمره جامعه برآورده شود. رهبر انقلاب اسلامی